

## موقعیت خطای جزائی در اثبات مسئولیت کیفری



محمد صالح ولیدی

### مقدمه

از دیدگاه کیفری ارتکاب جرم یا هر نوع نخطی از قوانین و مقررات جزائی تنها و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست. برای اینکه بتوان مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی قابل سرزنش و سزات دانست لازم است که:

اولاً: وقوع رفتار مجرمانه یا پدیده جزائی از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گیرد.

ثانیاً: عمل مجرمانه‌ای که به اندیشه و خواست مرتکب در خارج وقوع مییابد، توأم با سؤنیت مرتکب و یا نمایشی از خبط و خطای وی باشد.

اجتماع این دو شرط را در لسان حقوقی « عنصر روانی » جرم می‌نامند. البته از نظر حقوق کیفری برای تحقق جرم، علاوه بر عنصر روانی، وجود عناصر قانونی و مادی جرم نیز در کلیه جرائم ضروری و الزامی است.

معمولاً در بحث راجع به عنصر روانی جرم، از هم بستگی میان شخصیت اخلاقی مرتکب جرم و وضعیت مجرمانه‌ای که در خارج واقع شده است سخن به میان می‌آید. به

عبارت دیگر احراز عنصر روانی با توجه به رابطه‌ای صورت می‌گیرد که مجرم را با اعمال انجام یافته پیوند میدهد، بطوریکه هرگاه رابطه بین مرتکب جرم و اعمال انجام یافته احراز و اثبات نگردد، از نظر کیفری نمیتوان مرتکب را مسئول دانست. از این رو دادرسان دادگاههای کیفری به هنگام صدور حکم محکومیت کیفری در باره متهم به ارتکاب جرم، مکلانند صراحتاً اعلام کنند که متهم با علم به اینکه عمل مجرمانه‌اش برخلاف قانون بوده است و با میل و خواست خود، به منظور حصول نتیجه شومی که عادتاً از آن عمل مجرمانه عاید می‌شود مرتکب جرم شده است. و نیز هنگامیکه در باره متهم به ارتکاب جرم غیر عمدی حکم محکومیت صادر میکنند باید به روشنی قید نمایند که متهم به علت خطا، یا تقصیر جزائی ای که مرتکب شده است، امکان اقدام برای جلوگیری از نتایج نامطلوب حاصله را نادیده گرفته است و بنابراین مسئول شناخته میشود. باین ترتیب از نظر کیفری تنها کسی قابل مواخذه و مجازات است که از روی سوءنیت یا خطای جزائی موجد عمل مجرمانه یا پدیده جزائی شده باشد. بدیهی است که مفهوم و ماهیت سوءنیت و خطای جزئی یکسان نیست. زمانیکه شخص آگاهانه و به میل خود میخواهد جرمی را مرتکب شود و در عین حال خواستار حصول نتیجه شوم آن نیز هست، از لحاظ کیفری با احراز سوءنیت یا قصد مجرمانه، مسئول شناخته میشود و جرم وی عمدی خواهد بود. اما هرگاه شخصی عمل را با میل و اراده خود انجام دهد، لکن بهیچوجه خواهان حصول نتیجه شوم آن نباشد و حتی آنرا پیش‌بینی هم نکند، در این صورت مسئولیت کیفری او با اثبات خطای جزائی، احراز خواهد شد. روشن است که در عمل، تشخیص خطای جزائی از سوءنیت کاری ساده و آسان نیست و از جمله مسائل مهم و اساسی حقوق کیفری بشمار می‌آید. علاوه بر این در حال حاضر بر اثر توسعه زندگی ماشینی و دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی، از نظر تکنیک قضائی مسأله تشخیص خطای جزائی به منظور احراز مسئولیت کیفری و تعیین میزان مجازات مرتکبان جرائم غیر عمدی، بیش از پیش اهمیت یافته است. بیگمان، تنها با احراز خطای جزائی مرتکبان جرائم غیر عمدی و سپس مجازات آنها نمیتوان با مسائل و مشکلات اجتماعی و ریشه‌های جرم مبارزه کرد. با اینهمه نظر به اینکه در شرایط زندگی پیچیده کنونی وقوع خطای جزائی غالباً ناشی از عدم انطباق رفتار آدمی با نظام و مقررات زندگی اجتماعی است و اگر کسی نتواند اعمال خود را با شرایط زندگی و ضوابط پذیرفته شده، در فرهنگ همگانی، انطباق دهد و در نتیجه موجد خطر و آسیبی برای جان و مال دیگری شود، در واقع با قصور و کوتاهی خود عملاً عدم سازش خویش را با مقررات اجتماعی نشان داده است و باید چنین فردی را از نظر جامعه، فردی بی احتیاط و یا بی‌مبالا و مقصر شناخت. با عنایت به این نکات است که عدالت کیفری ایجاب میکند ضمن توجه به عرف و عادت و معیارهای معمولی و متعارف زندگی جامعه مورد بحث، عمل خاطی ارزیابی گردد

و چنانچه بر مقامات قضائی و دادگاهها مشخص شد که رفتار مخالف نظم اجتماعی مرتکب موجب آسیب به دیگری شده و یا در نظم و امنیت جامعه اختلال پدید آورده است از نظر کیفری مقصر و مسئول شناخته شود. بنابراین خطای جزائی عبارت است از انجام یا خودداری از انجام کاری که در ارتکاب آن احتمال ایراد صدمه یا زیان به غیر و یا اختلال در سری از امور اجتماعی وجود دارد.

ملاحظه میشود که شناخت مفهوم و ماهیت خطای جزائی و نقش آن در اثبات مسئولیت کیفری در اجرای عدالت کیفری تأثیری بسزا دارد.

در این جا اجمالاً به بررسی مفهوم جرم خطائی یا خطای محض سپرداریم و به ضابطه تشخیص آن از نظر حقوق کیفری اسلام اشارت می‌کنیم.

یادآور میشویم که خطای جزائی در حقوق اسلامی از لحاظ مفهوم و ماهیت، با خطای جزائی مصطلح در حقوق جزائی عرفی متفاوت میباشد. در نظام کیفری اسلام، جرائم خطائی یا خطای محض جرائمی هستند که در وقوع آنها، مرتکب، نه قصد ارتکاب جرم نسبت به مجنی علیه را دارد و نه خواهان حصول نتیجه نامطلوبی است که پدید می‌آید؛ مثلاً فردی سرگرم پاک کردن سلاح خویش است اما ناگهان و اتفاقاً گلوله‌ای از آن خارج میشود و دیگری را میکشد. در نظام کیفری اسلام این عمل را، به جهت آنکه مرتکب آن اساساً از روی قصد و اراده آگاهانه تیر اندازی نکرده و قصد کشتن دیگری را هم نداشته است، جرم خطائی یا خطای محض، می‌نامند. و ضابطه تشخیص آن را فقهاء و صاحبان نظران اسلامی با استناد به احادیث و روایات بیان نموده‌اند.

صاحب جواهر (ره) در مورد ضابطه تشخیص جرم خطای محض چنین می‌فرماید:

« ضابط الخطأ المحض المعبر عنه في النصوص بالخطأ الذي لاشبهة فيه، هوان فيهما ای الفعل و القصد »:

ضابطه تشخیص خطای محض که در نصوص وارده از آن به خطائی، که در آن شبهه‌ای نیست، تفسیر شده است، این است که مرتکب جرم هم در فعل و هم در قصد خود، مرتکب خبط و خطا شده باشد. یعنی مرتکب جرم، نه قصد ارتکاب جرم و نه قصد حصول نتیجه مجرمانه را داشته باشد. صاحب تکملة المنهاج نیز در بیان ضابطه عمد و شبه عمد با استناد به روایت صحیح وارده مینویسد:

«... والخطأ الذي لاشك فيه ان يتعمد شيئاً آخر فيصيبه.»

بدون شک خطای محض آن است که مرتکب جرم قصد انجام چیز دیگری را دارد ولی به انسان اصابت می‌کند.<sup>۲</sup> امام خمینی مدظله نیز در تحریر الوسیله ضابطه تشخیص خطای

۱- جواهر، ج ۴۲، ص ۳- دکتر ابوالقاسم گرجی، «حقوق جزائی عمومی اسلام»، نشریه بوسه

حقوق تطبیقی، ش ۶، ۱۳۵۸، ص ۱۳۰

۲- آیه‌الله خوئی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، نجف، ص ۴

محض را چنین بیان کرده‌اند .

« الخطاء المحض المعبر بالخطاء لاشبهه فيه هوان لا يقصد الفعل و لا القتل ، كمن رمى صيداً فاصاب انساناً فقتله » .

بدون شک ضابطه تشخیص خطای محض آن است که شخص نه میل و اراده ارتکاب یا انجام فعل مجرمانه را داشته است و نه قصد حصول نتیجه مجرمانه و کشتن مجنی علیه را دارد ، مانند اینکه شخصی تیری را به قصد شکارها می‌کند و به انسانی اصابت می‌نماید و او را می‌کشد .

در بررسی قوانین مدون اسلامی نیز ملاحظه میشود که قانونگذار در ماده سوم قانون حدود و قصاص<sup>۲</sup> در بیان انواع قتل ، قتل خطای محض را پیش‌بینی کرده و احکام آن را در بند الف ماده ۲ قانون دیات<sup>۳</sup> چنین مقرر داشته است : « قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور « خطاء محض » واقع میشود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت<sup>۴</sup> نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده را ، مانند آنکه تیری را به قصد شکارها کند و به شخصی برخورد نماید . »

بیان تفصیلی عناصر جرم خطای محض از حوصله این بحث خارج است اجمالاً می‌گوییم : ضابطه تشخیص فقهی و قانونی مفهوم و ماهیت این پدیده بخوبی مشخص جهات افتراق آن با خصوصیات اصطلاح « خطای جزائی » است که در حقوق جزائی عرفی متداول است و پایه‌های عنصر روانی جرائم غیر عمدی را بسازد . در این بحث ، مفهوم و ماهیت خطای جزائی و نیز سهم و اثر آن را در تثبیت رابطه سببیت در جرائم غیر عمدی بررسی می‌نماییم .

## مفهوم خطای جزائی و اثبات رابطه سببیت در جرائم غیر عمدی

### اهمیت بحث

مصادیق خطای جزائی را باید در بررسی عناصر جرم غیر عمدی یا شبه عمد جستجو کرد . علاوه بر این در زمان ما بر اثر توسعه ماشینیسم و عوارض ناشی از کار و زندگی اجتماعی ، اضرار خطای جزائی بیشتر مورد توجه است ، تا آنجا که علی القاعده اثبات مسئولیت کیفری مرتکبان جرائم غیر عمدی فرع بر اضرار خطای جزائی است . و از این حیث احراز خطای جزائی و اثبات رابطه فعل مرتکب با صدمه و زیان وارده به مجنی علیه ، در تأمین

۱- اسام خمینی ، تحریر الوسیله ، ج ۲ ، کتاب دیات ص ۶۸۳ ( چاپخانه علمیه ) .

۲- مصوب شهریورماه ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی .

۳- مصوب آذرماه ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی .

۴- مراد از لفظ جنایت و جانی که در ماده ۲ قانون دیات به کار رفته است ، جرم و مرتکب آن است .

نظم و امنیت و آسایش عمومی و جبران ضرر و زیان وارد به اشخاص سهم تعیین کننده‌ای دارد. از این رو در نظامهای جزائی کنونی، ارتکاب جرائم غیرعمدی یا شبه عمد، تنها در صورتی موجب مسئولیت کیفری است که با خطای جزائی مرتکب همراه باشد. در این معنی خطای جزائی پدیده‌ای است که از عدم تطبیق رفتار آدمی با نظام زندگی اجتماعی حاصل میشود.

با اینهمه بعضی از قانونگذاران بجای آنکه به تعریف خطای جزائی بپردازند و مفهوم آن را روشن کنند، به ذکر مصادیق آن اکتفا می‌نمایند. قانون مجازات عمومی سابق در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ و قانون تشدید مجازات رانندگان و ماده ۶ قانون جرائم مربوط به راه‌آهن و ماده ۸۰ قانون اخلاط‌گران در صنایع نفت و نیز مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون تعزیرات، مصادیق خطای جزائی از قبیل بی‌احتیاطی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی را تشریح کرده‌اند.

از طرف دیگر مسأله تشخیص خطای جزائی از مسائل حکمی است و دادگاه در مقام اتخاذ تصمیم و صدور حکم در هر مورد باید رفتار و عمل مجرمانه مرتکب را با توجه به مصادیق قانونی ارزیابی کند و نوع خطای جزائی وی را در حکم صادره صریحاً قید نماید. و نقش قصور و کوتاهی مرتکب را در ایجاد صدمه و زیان وارده مشخص نماید. با توجه به آنچه گذشت، بیان مفهوم و تشخیص ضابطه خطای جزائی در مسائل کیفری بعنوان وسیله‌ای برای حفظ حقوق و آزادیهای فردی و رعایت مصالح اجتماعی و اجرای عدالت کیفری ضرورت دارد.

## ۲

### مفهوم خطای جزائی

پاره‌ای از اوقات انسان آگاهانه مرتکب اعمال مجرمانه میشود اما خواهان نتیجه احتمالی و نامطلوب حاصله از آن نیست و حتی چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کند. در این قبیل موارد مسئولیت کیفری مرتکب جرم از یک خطای جزائی مایه میگیرد و مراد از خطای جزائی، عبارت خواهد بود از انجام یا خودداری از انجام کاری که در ارتکاب آن احتمال ضرر و آسیب به دیگری وجود دارد و یا احتمال آن می‌رود که در امری از امور اجتماعی اختلال پیش آید.

در اینجا توجه به دو نکته بایسته است:

نخست آنکه در بررسی خطای جزائی نخست باید معلوم شود که مرتکب جرم غیر

عمدی چه نوع تکلیفی را برعهده داشته است؟

دیگر آنکه مرتکب جرم چگونه از انجام تکلیف مزبور تخلف و یا خودداری کرده‌است؟

الف - نوع تکلیف را میتوان با بیان نمونه‌ای از تکالیف افراد در زندگی اجتماعی ارزیابی کرد. مثلاً در یک حادثه رانندگی، برای احراز خطای جزائی راننده، باید عمل و رفتار وی را با رفتار یک راننده معمولی و با توجه به عرف و عادت و معیارهای متعارف در عبور و مرور، از طریق رجوع به کارشناس مقایسه و ارزیابی نمود. در این بررسی به جنبه‌های نوعی خطا با صرفنظر از ویژگیهای فردی توجه میشود.

ب - در بررسیهای قضائی باید معلوم ساخت که راننده متهم برای جلوگیری از وقوع حادثه و ایراد صدمه و زیان احتمالی توانائی خویش را بکار نبرده است.

با عنایت به این نکات نتیجه می‌گیریم که هر گاه کسی بدون قصد ارتکاب جرم و حصول صدمه وارده بر حسب اتفاق متهم به ایراد صدمه و ضرر و زیانی به دیگری شود، نظر به اینکه علی‌القاعده عمل ارتكابی ناشی از خطای جزائی نیست، ناگزیر مرتکب بعلت عدم احراز خطای جزائی و بویژه فقدان رابطه میان وقوع جرم و نتیجه حاصله، از نظر کیفری غیر مسئول شناخته میشود و در چنین وضعی محکوم کردن متهم به مجازاتهای سالب آزادی غیر منطقی و برخلاف فلسفه و هدف مجازاتهای است که بر پایه تنبیه و اصلاح مجرمان استوار است. اما در عمل، تشخیص حالت اتفاق که موجب عدم توجه اتهام به مرتکب میشود از مسائل دشوار قضائی است و اکثر قانونگذاران حکم موارد اتفاق را صریحاً بیان نمی‌کنند و در این قبیل موارد دادگاههای کیفری هستند که در عمل به برائت متهم جرم اتفاقی حکم می‌نمایند.

در قوانین جزائی مدون اسلامی قانونگذار با طرح جرائم خطای شبیه به عمد و خطای محض در قانون حدود و قصاص و بیان مجازات این قبیل جرائم در قانون دیات، صراحتاً حکم موارد اتفاق را پیش‌بینی و تکلیف مقامات قضائی را در خصوص این قبیل جرائم معین ساخته است.

### ۳

#### اثبات رابطه سببیت بین خطا و نتیجه حاصله

بر خلاف دعاوی حقوقی، در مسائل کیفری اثبات رابطه سببیت بعهده مقامات قضائی است. اما گفتیم که در مسائل کیفری صرف اثبات خطای جزائی برای تحقق مسئولیت و اعمال مجازات کفایت نمی‌کند بلکه بایستی میان خطای جزائی مرتکب جرم و نتیجه حاصل از آن رابطه سببیت احراز شود و احراز این رابطه همانند اثبات خطای جزائی کاری دشوار است، زیرا هر پدیده جزائی از اسباب متعدد و گوناگونی نشأت می‌گیرد که دوری و نزدیکی آنها به واقعه و میزان تأثیر آنها بر امر مورد نظر یکسان نیست.

در مسائل کیفری هنگامیکه خطای مرتکب جرم منحصر بفرده بوده و بطور مستقیم

موجب حصول نتیجه مجرمانه شده باشد تشخیص رابطه سببیت چندان دشوار نیست. برای مثال هرگاه راننده‌ای با عبور از محل ممنوع (خیابان یک‌طرفه) باعث مرگ عابری گردد چنانچه در رسیدگی قضائی معلوم شود که مرگ، عابر تنها به سبب بی‌انضباطی راننده و یا عدم رعایت مقررات عبور و مرور حادث شده است، احراز رابطه سببیت بین عامل خطا (راننده) و مرگ عابر آسان است. اما احراز مذکور هنگامی دشوار است که خطای چند نفر یا چند عامل موجب پیدایش نتیجه مجرمانه باشد. مثلاً اگر تعمیرکار اتومبیل پس از رفع عیب موتور اتومبیل را برای آزمایش روی چاله تعمیرگاه ببرد و به شاگرد خود دستور دهد که خرابی لوله آگزوز اتومبیل را برطرف کند و در حین انجام این امر بواسطه انتقال چرخه کاربیت باک اتومبیل دچار حریق شود و لباس آلوده به روغن یکی دیگر از شاگردان تعمیرگاه آتش بگیرد و در نتیجه او را مجروح نماید و جراحات منجر به فوت گردد اثبات رابطه سببیت، در این ماجرا، آسان نیست، خاصه آنکه کشف این رابطه در زمره مسائل موضوعی است و اثبات آن علی‌القاعده بعهده قاضی دادگاه است.

برای حل این مشکل حقوقدانان و صاحب‌نظران کشورهای دیگر راههای گوناگونی را پیشنهاد کرده‌اند که به مهمترین آنها اشارت میکنیم. سپس در بحث بعد از نظرات نقه‌اء و دانشمندان اسلامی سخن خواهیم گفت و سرانجام به بررسی رویه قضائی دیوانعالی کشور ایران میپردازیم.

۴

### نظرات مربوط به نقش خطا در پیدایش نتیجه مجرمانه

گفتیم که در جرائم غیرعمدی خطای مرتکب جرم هنگامی موجب مسئولیت کیفری است که میان صدمه وارده و فعل مرتکب رابطه سببیت احراز گردد. قسمتی از نظرات و راه‌حلهای پیشنهادی حقوقدانان در صور چهارگانه زیر عنوان میشود.

#### ۱-۴- خطا شرط لازم برای پیدایش نتیجه مجرمانه است.

به نظر بعضی از دانشمندان آلمانی<sup>۱</sup> برای آنکه رابطه سببیت احراز شود میبایست که خطای مرتکب عمل، شرط ضروری وقوع جرم باشد به نحوی که اگر خطای جزائی انجام نیابد نتیجه مجرمانه نیز حاصل نمیشود.

راننده‌ای با سرعت بیش از حد مقرر در محل عبور عابرین پیاده با عابری تصادف می‌کند و او را از ناحیه پا مجروح مینماید و مجروح برای معالجه به بیمارستان منتقل و در آنجا بستری میشود، در بیمارستان کیسول گازی منفجر میشود و مجروح مورد بحث بواسطه

۱ - نون بوری، به نقل از دکتر صانعی: «حقوق جزای عمومی» ج ۱ ص ۲۶۵. دکتر پاد، حقوق کیفری

اندر بار کپسول کشته میشود. در این مثال، برطبق نظریه بالا، اگر عابر بعلت تصادف مجروح نمی‌شد و در نتیجه به بیمارستان منتقل نمی‌گردید مرگ او پیش نمی‌آمد، بنابراین خطای جزائی راننده که ناشی از بی احتیاطی و سرعت بیش از حد مقرر بوده است، شرط لازم برای تحقق مرگ عابر است و از این حیث راننده مسئول مرگ شناخته میشود.

نارسانی این نظر بیشتر از آن جهت است که در ارزیابی مسئولیت کیفری، تأثیر عوامل و خطاهای دیگر را نادیده می‌گیرد، در حالیکه ممکن است خطای مرتکب جرم در سلسله مراتب عوامل و خطاهائی که منجر به مرگ شده است، مرتبه‌ای پائین را اشغال کرده باشد. بنابراین قبول نظریه مذکور بطور مطلق، برخلاف منطقی و عدالت کیفری بنظر میرسد.

#### ۲-۴- خطا شرط مستقیم برای پیدایش نتیجه مجرمانه است.

به نظر بعضی از حقوقدانان انگلیسی باید خطاهای دور را که بطور غیر مستقیم در پیدایش نتیجه مجرمانه دخالت دارند به کناری نهاد و در مقام اثبات مسئولیت کیفری تنها خطاهائی را مورد توجه قرار داد که علت مستقیم و نزدیک حادثه هستند. استدلال این صاحب نظران آنست که هر چند ممکن است عوامل و خطاهای دور و غیر مستقیم نیز در تحقق نتیجه دخالت داشته باشد، ولی مسئولیت کیفری را باید متوجه خطای جزائی مستقیم دانست. مطابق این نظریه در مثال بالا نظر به اینکه خطای جزائی راننده - بعلت سرعت بیش از حد مقرر - بطور مستقیم و بلافاصله موجب مرگ عابر پیاده نشده است، بنابراین ویرا نباید مسئول شناخت.

بدیهی است که در عمل قبول این نظریه نیز باعث لوپ شدن و نادیده گرفتن نقش سایر عوامل و مسبباتی است که در پیدایش نتیجه مجرمانه مؤثرند و بنابراین نظریه یاد شده نیز برخلاف عدالت کیفری میباشد.

#### ۳-۴- خطا شرط پویا برای پیدایش نتیجه مجرمانه است.

به نظر بعضی از دانشمندان آلمانی مانند «ارنست مایر»<sup>۱</sup> برای اثبات رابطه سببیت بین خطا و صدمه وارده باید تنها به خطا، یا خطاهائی توجه کرد که میتوانند در ایجاد حادثه دارای نقشی پویا باشند. مثلاً راننده‌ای با سرعت بیش از حد مقرر در خیابان با عابری که مبتلی به بیماری قلبی است تصادف می‌کند، با اینکه جرح وارده چندان مهلک نیست ولی مجروح بعلت ناتوانی و بیماری قلبی تحمل آنرا ندارد و فوت می‌کند در این قضیه، مطابق نظریه فوق خطای راننده - بعلت سرعت بیش از حد مقرر - شرط پویای پیدایش نتیجه



مجرمانه است و بنابراین باعث مسئولیت کیفری میشود. هر چند که میتوان گفت در این حادثه، عوامل دیگر مانند بیماری قلبی مجروح بی سهم و اثر نبوده است، اما اگر راننده ویرا مصدوم و مجروح نمی کرد، عامل ایستای بیماری قلبی موجب مرگ نمی شد.

#### ۴-۴- خطا شرط لازم و کافی برای پیدایش نتیجه مجرمانه است.

طبق این نظریه خطاهای موجب مسئولیت کیفری است که برای وقوع حادثه و پیدایش نتیجه مجرمانه شرط لازم و کافی تلقی شوند بنابراین در مورد هر حادثه‌ای باید عوامل و خطاهائی را که در ایجاد صدمه وارده مؤثرند به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. تا معلوم شود کدامیک از خطاها برای تحقق نتیجه مجرمانه کافی بوده است، مطابق این نظریه، در حادثه تصادف رانندگی و فوت عابر مصدوم در بیمارستان بواسطه ترک‌بیدن کپسول گاز، گرچه خطای راننده بخودی خود شرط کافی برای مرگ عابر نیست ولی نباید نقش آنرا در صدمه به مجروح، قبل از مرگ نادیده گرفت و بنابراین راننده از این حیث مسئول است.

نظریه شرط لازم و کافی در میان نظریات چهارگانه مذکور در فوق از لحاظ اجرای عدالت کیفری عملی‌تر بنظر میرسد زیرا تأثیر هر یک از خطاها را در مسئولیت مورد نتیجه قرار میدهد. علاوه بر این قاضی کیفری در مقام احراز رابطه سببیت بین خطای جزائی و نتیجه مجرمانه، محدود به پیروی از یکی از نظریات بالا نیست، بلکه باید به هر طریق که ممکن است برای کشف و احراز رابطه سببیت بین خطا و صدمه وارده اقدام نماید و در صورت عدم احراز توجه اتهام با تمسک به اصل برائت حکم مقتضی را، در مورد متهم، صادر نماید.



#### سببیت و نقش آن در نظام حقوقی اسلام

در نوشته‌های اصولیان و آثار فقهاء اسلامی بحثهای مهمی در باره ضابطه تشخیص خطا و رابطه سببیت وجود دارد. در اینجا به اختصار به مفاهیم و اصطلاحات خاصی مانند سبب، شرط، مقتضی، مانع و علت که در سئال احراز و اثبات مسئولیت مورد توجه فقهاء قرار گرفته اشارت می‌کنیم.

#### ۱-۵- سبب

در نظام حقوقی اسلام واژه سبب دارای معنی خاصی است و تسبیب (از باب تفعیل) به معنی فراهم کردن سبب یک امر یا واقعه است. سبب وقوع جرم عبارت است از فراهم کردن وقوع هر نوع ایراد صدمه که در صورت عدم وجود مانع، موجب تحقق نتیجه مجرمانه نسبت به جسم و جان مجنی علیه شود. از طرف دیگر سبب هنگامی در تأثیر عوامل جرم مداخلت دارد که با عامل دیگری بنام «شرط» همراه گردد و این دو باهم

زیرا مناسب و مقتضی را برای تحقق « علت تامه » پدیده جزائی فراهم نمایند .  
سبب در مسائل حقوقی در مقابل لفظ مباشر استعمال میشود و امری است که در ایجاد جرم یا گناه فی الجمله اثر دارد به عبارت دیگر سبب جرم ، جزئی از اجزاء علت تامه جرم را تشکیل میدهد و اگر بقیه اجزاء علت جرم موجود نشود نتیجه مجرمانه تحقق نمی یابد . مثلا اگر کسی دیگری را مجروح کند و در اثر آلودگی لباس مجروح به میکروب کزاز وی فوت کند ، عمل مرتکب را سبب وقوع می گویند .

سبب جرم مسکن است انسان یا حیوان و یا عوامل طبیعی باشد ، مانند آنکه شخصی کودک و یا فرد بالغ دیگری را وادار به نعل کسی نماید و یا حیوان درنده ای را از قفس آزاد کند و حیوان مذکور شخصی را ببرد و یا فردی بدون رعایت احتیاط در ملک خود آتشی برافروزد و بر اثر باد آتش به ملک مجاور سرایت کند و در نتیجه شخصی مجروح شود . در تمامی این مثالها وقوع جرم به « سبب » نسبت داده میشود . صاحب مکمل المنهاج در این باره می نویسد : « هرگاه کسی به کودک یا دیوانه ای دستور قتل شخص دیگری را بدهد و یا اگر واسطه وقوع جرم ، انسان بالغ و عاقلی است ، سبب او را طوری تهدید کند که اختیار از او سلب شود و بالنتیجه صدمه ای به کسی وارد کند در این صورت مجرم سبب است . همچنین است در موردی که واسطه وقوع جرم حیوان است ، چنانکه کسی دیگری را در محلی که حیوان درنده ای وجود دارد پرت کند و حیوان او را ببرد و یا اینکه قید را از پای سگ درنده خود باز کند و سگ کسی را ببرد ، در اینصورت هم بدون شک جرم به سبب نسبت داده میشود . و نیز موردی که واسطه وقوع جرم عوامل طبیعی است مانند آنکه کسی آتشی را در ملک خود بیش از حد نیاز و بدون رعایت احتیاطات لازم برافروزد و برای عدم سرایت آتش بوسیله باد اقداسی بعمل نیاورد و در نتیجه باد آتش را به شخص دیگر و یا ملک غیر سرایت دهد و آن را آتش زند ، در این صورت شخص فروزنده آتش ضامن خسارتهای مالی و صدمات جانی است که به سبب سرایت آتش بوجود آورده است . »<sup>۱</sup>

#### ۲-۵- شرط

همانطور که اشاره شد سبب هنگامی در پیدایش نتیجه مجرمانه مؤثر است که میان سبب و نتیجه حاصله تناسب ذاتی موجود باشد ، و این امر زمانی تحقق می یابد که با عامل دیگری بنام « شرط » همراه شود . پس شرط عاملی است که وجودش در مؤثر بودن سبب برای وقوع جرم دخالت دارد . برای مثال : کسی در مسیر شخص « الف » چاهی را حفر می کند و سنگی را در لبه آن قرار می دهد تا در هنگام عبور پای « الف » به سنگ برخورد

۱- تلخیص از صفحات ۱۰ و ۱۱ و ۲۶۴ سبانی تکملة المنهاج ، ج ۲

کند و باعث سقوط وی در چاه و در نتیجه مرگ او شود. در اینجا افتادن در چاه «سبب» فوت است و کندن چاه، که در تحقق نتیجه مجرمانه مؤثر بوده است، «شرط» تحقق جرم میباشد. به اتفاق فقهاء، هرگاه سبب اقوی از مباشر باشد این سبب است که مستحق کیفر است نه مباشر.<sup>۲</sup>

نیز فقهاء در بررسی مسائل اجتماع سبب و شرط در وقوع جرم و تأثیر آنها بر یکدیگر مرحله دیگری را بنام «مقتضی» مطرح کرده‌اند. هرگاه در این مرحله عامل دیگری تأثیر مقتضی را خنثی نکند، در آن صورت (یعنی با فقدان مانع) اجتماع سبب و شرط مقتضی علت تامه پدیده جزائی را محقق میسازد و رابطه سببیت به کرسی می‌نشیند. خلاصه آنکه هرگاه در بررسی جرم، عوامل و شرایط وقوع جرم موجود، و مانع مفقود باشد، علت تامه جرم حاصل میشود. بنابراین در حقوق اسلامی مجموعه عواملی که در خصوص رابطه سببیت باید مورد توجه قرار گیرد در فرمول زیر بیان میشود:

عدم مانع + شرط + سبب = علت تامه جرم

ناگفته نماند که این مفاهیم و اصطلاحات در عین آنکه راهنمای مناسبی برای اثبات رابطه سببیت بین فعل مرتکب و صدمه وارده محسوب میشود، لکن چون تعیین حدود مرز و میزان تأثیر آنها به سادگی و آسانی صورت پذیر نیست، در نتیجه اختلاف نظرهایی در این باره پدید آمده است، بعضی اسباب قریب و نزدیک به حادثه را در رابطه سببیت مورد توجه قرار داده و برخی به اسباب اصلی و مقدم توجه نموده‌اند. عده‌ای از متأخران نیز معتقدند که مستفاد از اخبار و روایات آن است که در وقوع جرم بطور کلی نه ایجاد سبب میزان است و نه ایجاد شرط، بلکه میزان کلی و مراد از تسبیب در خصوص اثبات رابطه سببیت میان فعل مرتکب و نتیجه حاصله، ایجاد مقدمه برای وقوع جرم است، مشروط بر اینکه مقدمه مذکور از اموری باشد که با ایجاد آن بتوان خطای جزائی مرتکب را احراز کرد و نیز بر اثر ایجاد آن بتوان وقوع صدمه و زیان به دیگری را احتمال داد اعم از اینکه مقدمه مورد بحث سبب باشد یا شرط و سبب قریب و مستقیم باشد و یا سبب بعید و باواسطه.<sup>۳</sup> با توجه به آنچه گذشت روشن میشود که در نظام کیفری اسلامی چنانچه بتوان میان خطای جزائی مرتکب و صدمه وارده ملازمه عرفی احراز نمود این امر موجب مسئولیت کیفری مرتکب میشود. اگر بخواهیم بدانیم که حقوق اسلامی به کدامیک از راه حل‌های چهارگانه حقوق‌داندان نظامهای دیگر گرایش دارد میتوانیم گفت که دیدگاه حقوق اسلامی با نظریه چهارم یعنی

۱ - دکتر ابراهیم یاده، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، ص ۱۹۳

۲ - دکتر ابوالقاسم گرجی، «حقوق جزای اسلام»، در نشریه حقوق تطبیقی، ۱۳۵۸، صفحات ۴۱ و

این نظر که در پیدایش صدمه وارده باید خطای مرتکب شرط لازم و کافی نتیجه مجرمانه باشد، بیشتر موافق می‌افتد. آراء دیوانعالی کشور نیز به همین نظر توجه دارد.

## ۶

### رویه دیوانعالی کشور ایران در باره سببیت در جرائم غیر عمدی

بررسی آراء دیوانعالی کشور روشن میسازد که در گذشته این دیوان به پیروی از سیستم قضائی فرانسه، ضابطه تشخیص خطای جزائی را در چهارچوب اصطلاحات بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی جستجو کرده است. این اصطلاحات در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات رانندگان آمده بود که مطابق آنها برای اعلام مسئولیت کیفری مرتکبان جرائم غیر عمدی احراز خطای جزائی - هر اندازه که ناچیز باشد - ضروری تلقی می‌شد. محاکم کیفری نیز بر همین اساس احکام مقتضی صادر کرده‌اند و این احکام مورد استعانت نظر دیوان قرار گرفته است، لکن در مورد خطای معض و ضابطه تشخیص آن در آراء محاکم و دیوانعالی کشور حکمی صادر نشده است. علاوه بر این دیوانعالی کشور در باره وجود رابطه سببیت بین خطای جزائی و صدمه وارده رویه‌ای مشخص و روشن در پیش نگرفته است؛ بعضی از آراء دیوانعالی کشور وقوع خطای مستقیم و بی‌واسطه را برای پیدایش نتیجه مجرمانه ضروری دانسته است. آراء ۳۶۸۰ - ۱۹/۱۱/۶۹ شعبه دوم و ۱۵۰۵ - ۲۵/۱۱/۲۱ شعبه دوم حاکی است که اگر میان صدمه وارده و خطای جزائی مرتکب، رابطه سببیت مستقیم و بی‌واسطه وجود نداشته باشد مطابق ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی مرتکب از لحاظ کیفری مسئولیتی نخواهد داشت.

برعکس در بعضی دیگر از آراء، دیوانعالی کشور خطای جزائی غیر مستقیم و با واسطه مرتکب جرم را، که مؤثر در پیدایش نتیجه مجرمانه بوده است، باعث مسئولیت کیفری شناخته است. در رأی ۲۴۲۱ - ۱۹/۷/۳۰ و رأی ۲۴/۸۶۶ - ۲۰/۹/۵ شعبه ششم آمده است که مستفاد از ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی آنست که اگر بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و یا تخلف از نظامات دولتی ولو بطور غیر مستقیم سبب حادثه باشد، موجب مسئولیت کیفری خواهد شد. گاه نیز در آراء دیوانعالی کشور احراز رابطه سببیت غیر مستقیم و با واسطه موجب مسئولیت خوانده شده است. در این مورد شعبه دوم دیوانعالی کشور در رأی شماره ۱۷۰ مورخ ۱۳۲۳/۴/۲۲ چنین اعلام نظر کرده است: ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی اعم است از اینکه ضرب و جرح وارده مستقیماً و بلاواسطه موجب فوت شود یا موجب مرضی شود و یا اینکه مسامحه و بی‌احتیاطی در معالجه مضرروب یا مجروح منتهی به مرگ گردد؛ مطالعه احکام گذشته دیوانعالی کشور در احراز ضابطه تشخیص خطای جزائی مبین عدم

وجود رویه مشخص وقاطع این دیوان نسبت به اثبات رابطه سببیت در جرائم غیر عمدی است.

## ۷

### قانون حدود و قصاص و دیات

با استقرار نظام جمهوری اسلامی و با تجدید نظر در قوانین جزائی و تصویب قانون حدود و قصاص و دیات، براساس نظر مشاهیر فقهاء تقسیم جرائم به عمد و شبه عمد و خطای محض و همچنین تقسیم نحوه ارتکاب جرم به مباشرت و تسبیب مورد توجه قرار گرفته است. مواد ۳ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ قانون حدود و قصاص و مواد ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ قانون دیات، احکام مربوط به انواع جرائم و مجازات آنها و نیز ضابطه تشخیص جرائم و نحوه ارتکاب آنها را به مباشرت و یا تسبیب بیان کرده است اما چون در قوانین جزائی اخیرالتصویب مسأله نسخ قوانین و مقررات جزائی سابق صریحاً پیش بینی نشده است، بعضی از دادگاههای کیفری در رسیدگی به جرائم غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی با تمسک به موادی از قانون تشدید مجازات رانندگان مبادرت به صدور حکم بحکومیت راننده خطاکار به حبس و پرداخت جزای نقدی کرده و بعضی دیگر از دادگاههای کیفری براساس قانون دیات در باره جرائم ناشی از تخلفات رانندگی فقط حکم به پرداخت دیه صادر نموده اند. این مسأله موجب شد که قانونگذار در قانون تعزیرات (مصوب هیجدهم مردادماه ۱۳۶۲) در مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ خود احکام جدیدی برای احراز خطای جزائی ناشی از تخلفات رانندگی پیش بینی نماید. متأسفانه در متن این مواد قانونگذار برای ضابطه تشخیص خطای جزائی مرتکب جرم، اصطلاحات و مصادیق حصری بی احتیاطی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی را به کار برده است و اینها همان اصطلاحاتی است که در مواد ۱۷۴ و ۱۷۷ قانون مجازات عمومی و قانون تشدید مجازات رانندگان (که مقتبس از مواد ۳۱۹ و ۳۲۰ قانون جزای فرانسه بودند) آمده است. این اقدام یعنی بیان مصادیق حصری به منظور تشخیص خطای جزائی ناشی از تخلفات رانندگی اعم از وسائط نقلیه زمینی و آبی در قانون تعزیرات و به فاصله زمانی کمتر از یکسال پس از تصویب قانون دیات و نیز اعلام ضوابط قانونی خطاه شبهه عمد در بند (ب) ماده ۳ قانون دیات علاوه بر ایجاد تعدد عنصر قانونی برای خطای جزائی موجب آثار دیگری نیز بوده است که ذیلاً به اختصار به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

الف - جرائم ناشی از تخلفات رانندگی اعم از وسائط نقلیه زمینی و آبی، مطابق قانون تعزیرات «جرائم غیر عمدی» نامیده میشود، در حالیکه قتل یا جرح یا نقص عضو ناشی از خطای جزائی مرتکب، در غیر مورد تخلفات رانندگی برابر بند (ب) ماده دوم قانون دیات جرائم شبهه عمد خوانده شده است.

ب - با تصویب مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و تصریح قانونگذار به حصر ضوابط احراز

خطای جزائی مرتکب جرم غیر عمدی، ذریب احتیاطی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی مشکل قضائی محاکم و دیوانعالی کشور نسبت به اتخاذ یک رویه مشخص و روشن در احراز رابطه سببیت بین فعل مرتکب و صدمه وارده، همچنان باقی می ماند.

ج - از آنجائیکه سیستم جزائی فرانسوی، برخلاف نظام کیفری اسلام و قوانین بدون جزائی اخیرالتصویب جمهوری اسلامی ایران، در خصوص جرائم خطای محض فاقد ضابطه صریح قانونی است، در نتیجه با تصویب مواد ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ قانون تعزیرات که متأثر از قانون جزای فرانسه میباشد، در بررسی تخلفات ناشی از رانندگی، تشخیص میان خطای جزائی - که مطابق موادی از قانون تعزیرات موجب محکومیت به حبس و جزای نقدی خواهد شد - و جرائم خطای محض ناشی از تخلفات رانندگی - که مطابق قانون دیات فقط موجب محکومیت به دیه یا جزای نقدی است - عملاً مشکل است. هر چند در این قبیل موارد بعضی از دادرسان دادگاههای کیفری با استناد به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی، بر اساس منابع فقهی و فتاوی معتبر اسلامی نسبت به صدور حکم مقتضی اقدام کرده اند، لکن وجود اختلاف نظر میان محاکم، ضرورت اتخاذ رویه واحدی را ایجاب نکرده است. و در نتیجه رأی وحدت رویه ۱۳۰۳ - ۶۲/۷/۶ دیوانعالی کشور صادر گردید که به موجب آن « چنانچه قتل خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچگونه خلافی مرتکب نشده باشد، از مجازات معاف خواهد بود » رأی مذکور که برطبق ماده ۳ الحاقی به قانون آئین دادرسی کیفری (مصوب سال ۱۳۳۷) برای کلیه دادگاههای جزائی و شعب دیوانعالی کشور در موارد مشابه لازم الاتباع است، تا حدی مشکل تشخیص بین خطای جزائی و جرائم خطئی را بر طرف میسازد. رأی دیگر وحدت رویه دیوانعالی کشور در مورد غیر قابل گذشت بودن قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی، موضوع ماده ۱۴۹ قانون تعزیرات نیز فرق میان قتل های غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی را با قتل های شبیه عمد مشمول بند (ب) ماده ۲ قانون دیات - که علی القاعده قابل گذشت میباشد - بیشتر آشکار کرده است.

در پایان یادآوری این نکته بجاست که: اگر قانونگذار اقتباس از سیستم جزائی لائیک را در تدوین ضوابط قانونی برای تشخیص خطای جزائی مرتکبان جرائم ناشی از رانندگی مغایر با موازین اسلامی نمیداند، اصلح آن است که در مقام وضع مقررات مربوط به این زمینه به مشکلات پیروی از سیستم جزائی فرانسه، که ناشی از حصر مصادیق خطای جزائی است و قبلاً بدان اشاره شد، بیشتر توجه نماید و در واقع با استفاده از ضابطه شرعی جرم شبیه عمد، ضابطه تشخیص خطای جزائی ناشی از تخلفات رانندگی را - اعم از وسائط نقلیه زمینی و آبی - در قانون تعزیرات پیش بینی کند. در این صورت قضات دادگاههای کیفری با

استفاده از ضابطه قانونی مصادیق خطای جزائی ، در مقام تطبیق مورد ، مسئولیت مرتکب را با رعایت شرائط و اوضاع و احوال و عرف و عادت ، احراز خواهند کرد و حکم مقتضی صادر خواهند نمود. این پیشنهاد با توجه به این امر که قوانین مورد بحث از زمره قوانین آزمایشی هستند ممکن است در تدوین نهائی مورد توجه قرار گیرد.

والسلام

\* \*  
\*

